



## آمادگی ایران برای مذاکرات هسته‌ای

وزیر امور خارجه ایران درباره مذاکرات رفع تحریم‌ها گفت: «ما آمادگی آن را داریم و اگر طرف مقابل آمادگی آن را داشته باشد، می‌توانیم در سفر نیویورک شروع جدیدی از مذاکرات را داشته باشیم.» «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی با اشاره به اینکه در دوران ویژه‌ای تصدی وزارت امور خارجه ایران را برعهده گرفته است، اظهار داشت: سیاست خارجی، کلاً کار سختی است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به مراتب سخت‌تر است و همیشه سخت‌تر بوده است. ما در طول ۴۰ سال گذشته وزارت خارجه پرکاری را همیشه داشته‌ایم. وزیر امور خارجه در خصوص سیاست دولت چهاردهم برای رفع تحریم‌های آمریکا اظهار داشت: ما اختلافاتی با آمریکایی‌ها داریم که برخی از آن کاملاً مبنایی است که در مورد آن‌ها امکان رفع تخاصم واقعاً وجود ندارد. ما مخالف سیاست‌های سلطه‌گرانه آمریکا هستیم. ما مخالف حضور آمریکا در بسیاری از نقاط جهان از جمله در منطقه خودمان هستیم و با بسیاری از سیاست‌ها و زورگویی‌های آمریکا مخالف هستیم و آن‌ها هم با روحیه استقلال‌طلبانه و عزتمندانه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ما در منطقه مخالف هستند. حل کامل این اختلافات ممکن است شدنی نباشد و یا آسان نیست یا حداقل زمانش الان نیست و یا برخی از آنها اصلاً امکان‌پذیر نیست. وی افزود: نکته من این است که اگر رفع تخاصمات امکان‌پذیر نیست، می‌شود هزینه‌هایش را کاهش داد. درست است که این تخاصم وجود دارد اما مردم ما نباید هر هزینه‌ای را بپردازند و هر فشاری را نباید تحمل کنند. ما به‌عنوان مجریان سیاست خارجی باید راه‌هایی را اتخاذ کنیم و با ابزارهای مختلف مسیری‌هایی را برویم که بتوانیم هزینه‌های این چند روزی بیشتر از رئیس‌جمهور در نیویورک می‌مانم و ملاقات‌های بیشتری را با وزرای خارجه کشورهای بیشتری خواهیم داشت؛ تلاش ما این است که دور جدیدی از مذاکرات در خصوص موضوع هسته‌ای آغاز شود. ما آمادگی آن را داریم و اگر طرف مقابل آمادگی آن را داشته باشد، می‌توانیم در همین سفر شروع جدیدی از مذاکرات را داشته باشیم. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به اینکه آیا طرف مقابل برای انجام مذاکرات اعلام آمادگی کرده یا خیر؟ گفت: پیغام‌هایی رد و بدل شده و یک اعلام آمادگی عمومی وجود دارد ولی شرایط بین‌المللی کنونی به گونه‌ای است که شروع مجدد مذاکرات هسته‌ای قدری سخت‌تر و پیچیده‌تر از قبل است. وی خاطرنشان کرد: ما باید قبول کنیم که نسبت به سه چهار سال پیش تحولات عمده‌ای در عرصه بین‌الملل رخ داده که وضعیت حاصل را بسیار پیچیده‌تر از گذشته کرده و شرایط پیچیده‌ای است ولی امیدواریم که در این شرایط سخت، حداقل یک شروع دوباره‌ای برای مذاکرات را داشته باشیم. در این سفر بنده و همه همکارانم همه توان و تجربه خود را به کار خواهیم بست و امیدواریم خداوند هم عنایت کند تا بتوانیم مسیری‌های جدیدی را باز کنیم. عراقچی در پاسخ به این سوال که آیا مجوزهای لازم از داخل داده شده است، تأکید کرد که دیپلمات‌ها هیچ وقت بدون مجوز حرکت نمی‌کنند. وزیر امور خارجه در خصوص احتمال دیدار با «آنتونی بلینکن» وزیر امور خارجه آمریکا اظهار داشت: من در حال حاضر امکانی نمی‌بینم و به اعتقاد من الان مصلحتی هم اقتضا نمی‌کند که چنین گفت‌وگویی صورت بگیرد. بار قبل در برجام چنین دیدارها و گفت‌وگوهایی بود ولی الان زمینه مناسبی وجود ندارد؛ این نظر کارشناسی من است. جدا از مجوزها فکر می‌کنم هنوز تا رسیدن به نقطه‌ای که مانند مذاکرات قبلی امکان گفت‌وگو بین دو طرف وجود داشته، فاصله هست.

از مرزها بود. در طول زمان به دلیل ظهور داعش، همکاری با گروه‌های شبه‌نظامی کرد و توسعه شبکه و نفوذ ایران در سوریه ایالات متحده بیش از پیش درگیر بویایی‌های منازعه سوریه شد.

شکل‌گیری داعش در سال ۲۰۱۳ باعث شد تا فعالیت‌های جهادی سلفی در غرب عراق و شرق سوریه با یکدیگر مرتبط شوند و تهدید بزرگی را برای امنیت منطقه و جهان در قلب خاورمیانه ایجاد کنند. در نتیجه این تحولات ایالات متحده آمریکا یک ائتلاف وسیع برای شکست دادن گروه داعش تشکیل داد. شبه‌نظامیان کردی که تحت نام نیروهای دموکراتیک سوریه می‌جنگیدند با این ائتلاف وارد اتحاد شدند. با این حال ائتلاف دائمی نبود و از تحولات ژئوپلیتیک در امان نمی‌ماند. هر چند تهدید داعش همچنان استمرار پیدا کرد، اما نیروهای دموکراتیک سوریه مناطق شرق فرات را از دوربین دوران پساداعش نگاه می‌کردند و همچنین نگاهش به منطقه از زاویه نبرد حزب کارگران کردستان با ترکیه بود که دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است. در هر دو دیدگاه تحولات نتایج منطقه‌ای بر جا خواهد گذاشت و فقط منحصر به سوریه باقی نمی‌ماند. از دیدگاه آمریکا امنیت در مرزهای شمال شرقی و شرق سوریه، آثار مشخصی در عراق بر جا می‌گذاشت. در حالی که اصلی‌ترین اولویت نیروهای آمریکا جلوگیری از ظهور مجدد داعش است که ممکن است فرآیندی باشد که تا یک دهه دیگر هم طول بکشد، محاسبات دیگری نیز از زمان شکست خلافت داعش در عراق در سال ۲۰۱۷ و در سوریه در سال ۲۰۱۹ با معادله اضافه شده‌اند. نقشه اثرگذاری در مناطقی که در گذشته تحت کنترل داعش بود، حالا تغییر کرده است. مسکو از طریق باقیمانده نیروهای دولت مرکزی در شهر قامشلی مستقر شده است و قصد دارد بر بویایی‌های منطقه اثرگذاری کند، در عین حال تهران هم در شهرهای قائم عراق و بوکمال سوریه نفوذش را توسعه داده است. آمریکا گذرگاه‌های اصلی ارتباطی سوریه و اقلیم کردستان عراق را از طریق نیروهای دموکراتیک سوریه تحت کنترل دارد و در تنف در نزدیکی مرزهای اردن یک پایگاه نظامی تأسیس کرده است. در نتیجه این رویکرد مرزهایی که سوریه را به عراق و ترکیه متصل می‌کند به محل برخورد بازیگران نرفنوذ تبدیل شده است.

به همین دلیل است که الگوی امنیتی آمریکا برخلاف الگوهای ایران و ترکیه وارد منازعه با دو مدل دیگر شده است. در مجموع الگوهای امنیتی ایران و ترکیه، به صورت اساسی نظام امنیتی یکدیگر را جز پیوندهای تاکتیکی و قابل مدیریتی که متحدان ایران با حزب کارگران کردستان ایجاد کرده‌اند، تهدید نمی‌کنند. ایران و ترکیه با همکاری روسیه در چارچوب فرآیند آستانه در مورد امنیت با یکدیگر هماهنگ شدند. در عوض حضور آمریکا به چالشی مهم هم برای ایران و هم برای ترکیه تبدیل شده است، هر چند که دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به واکنش به عقب‌نشینی احتمالی آمریکا دارند. اتحاد آمریکا با نیروهای دموکراتیک سوریه محدودیت‌هایی برای عملکرد ترکیه در شمال و شمال شرقی سوریه ایجاد کرده است و حضور آمریکا در امتداد مرز با عراق، چالش استراتژیک بالقوه‌ای را برای تلاش‌های ایران در جهت تضمین رفت و آمد آزادانه نیروهای خودش و متحدانش بین عراق و سوریه ایجاد کرده است.

آزایش امنیتی آمریکا در امتداد مرز عراق و سوریه عمدتاً بر مبنای شرکای محلی بنا شده است. گروه‌های کرد متحد ایده‌آلی برای جنگ علیه تروریسم تلقی می‌شوند. کردها نخستین قربانیان داعش بودند و نظم نظامی و قابلیت کنترل سلاح درون گروه‌هایشان باعث می‌شد که شرکای قابل اعتمادی باشند. یکی از مسائل مهمی که بر اثر رقابت مدل‌های امنیتی ایران، ترکیه و آمریکا در سوریه مطرح می‌شود این است که با پایان یافتن کامل منازعه در سوریه، چه بر سر آن خواهد آمد. درست مانند واقعه‌های ترکیب جمعیتی در سوریه و تحولاتی که در تجارت و داد و ستد دو سوی مرز اتفاق افتاده است، قطعه‌قطعه شدن امنیت مرزی نیز نشان‌دهنده از بین رفتن سازوکار ملی در سوریه است که باعث می‌شود دورنمای تفاهم سوری-سوریه که بنیان پایان منازعه در سوریه است، به شدت پیچیده به نظر برسد.

### نتیجه‌گیری

مسیر پیش روی سوریه به احتمال زیاد استمرار وضع کنونی خواهد بود که به معنای عدم دستیابی به یک توافق است. این مسئله به دلیل فقدان یک ساز و کار ملی برای حل و فصل مسائل کشور جدی به نظر می‌رسد، آن هم در دورانی که هیچ اجماعی میان قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی وجود ندارد که مشکلات سوریه را به قیمت زیر سوال بردن حاکمیت ملی این کشور مهار کرده‌اند. اگر این قدرت‌ها همچنان به این معادله شکننده از طریق استراتژی بی‌ثبات مهار پایبند باشند، بعید نیست که با گذر زمان ظهور مجدد مشکلات داخلی در سوریه باعث تغییر رفتار آنها شود یا وضعیت مناطق تحت کنترل شان را تغییر دهد. به همین دلیل دور از ذهن نیست که این وضعیت باعث شود تا آنها نهایتاً به یک ساز و کار سوری-سوریه برای رسیدن به صلح پایدار رضایت دهند. اما اگر چنین اتفاقی نیفتد، منطقه ممکن است در لبه فروافتادن به تنه‌ی بی‌پایان تنش قرار بگیرد که به صورت دائمی منطقه را بی‌ثبات می‌کند تا همه طرف‌ها به مزایای یک مصالحه دائمی بی‌برند.

ترجمه: شهاب شهسواری

باعث جلوگیری از توسعه آنها و بهبود فناوری‌های به کار رفته در آنها شود. مرز دو کشور همچنان پر روزه باقی مانده است و اجازه می‌دهد که حزب‌الله و دیگر بازیگران در دو سوی مرز عملیات کنند. نقش حزب‌الله در معماری امنیتی ایران در سوریه به تلاش‌های ایران برای اتصال تهران به مدیترانه کمک می‌کند. در طول منازعه دو دهه گذشته در عراق و سوریه، دسترسی ایران هزاران مایل امتداد یافته است و توانسته است قدرت دولت‌های مرکزی در عراق، سوریه و لبنان را تضعیف یا جایگزین کند. روسیه و رژیم اسد با حضور دائمی حزب‌الله در مرز سوریه و لبنان موافق نیستند. جنگ اوکراین باعث کاهش تعداد سربازان روسی در سوریه و به‌ویژه در مناطق مرزی شده است. بعید است که شرایط به زودی با تغییر مواجه شود.

الگوی امنیتی ایران که در قالب آن حزب‌الله تهدیدی آشکار برای اسرائیل محسوب می‌شود، فقط به لبنان منحصر نمی‌شود. در واقع بی‌ثباتی و گسترش گروه‌های جنایتکار در درعا و قنیطره بیشتر باعث مشکل برای اردن شده است. واکنش اردن به الگوی امنیتی ایران در جنوب سوریه، بسیار آرام‌تر از اسرائیل است. اردن از زمان آشتی با دولت سوریه تلاش کرده است با دمشق برای مقابله با تهدیدهایی که از سوریه ناشی می‌شود همکاری کند. اردن در عین حال دنبال کمک‌های بیشتر از ایالات متحده آمریکا است.

### الگوی ترکیه‌ای

دولت ترکیه از نخستین ماه‌های اعتراض‌ها در سوریه از مخالفان حمایت کرد. اوج این همکاری‌ها در نبرد حلب، تابستان ۲۰۱۲، رخ داد که بر اثر آن گروه‌های مخالف توانستند بخش‌های گسترده‌ای از استان حلب را کنترل کنند. در واکنش به این اقدام، رژیم سوریه تصمیم گرفت نیروهای خود را از مناطق کردنشین سوریه در مرز ترکیه خارج کند و منطقه را به شبه‌نظامیان گروه‌های حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) و یگان‌های مدافع خلق (YPG) بسپارد که دشمنان اصلی ترکیه محسوب می‌شدند. از دیدگاه ترکیه با توجه به وجود جمعیت بزرگ کرد در ترکیه و نگرانی‌های آنکارا از تشکیل یک حکومت مستقل توسط کردها، موضوع امنیت مرزها یک موضوع مرگ و زندگی محسوب می‌شود. در طول یک دهه گذشته ارتش ترکیه بارها وارد خاک سوریه شده است و در سراسر خط مرزی دو کشور مناطقی را تحت کنترل گرفته است. هدف اصلی ترکیه ایجاد یک منطقه حائل خالی از یگان‌های مدافع خلق در امتداد مرز است. اما رسیدن به این هدف به دلیل تعارض منافع بازیگران در منطقه از جمله ترکیه، ایالات متحده آمریکا، روسیه و ایران در آینده قابل پیش‌بینی غیرممکن به نظر می‌رسد.

ویژگی‌های الگوی امنیتی ترکیه بر مبنای بافت جمعیتی و حضور مستقیم نظامی است. منازعه در شمال سوریه، جنوب ترکیه و شمال عراق قومیت‌محور است و عرب‌ها، کردها و ترک‌ها در آن مشارکت دارند. نگاهی دقیق‌تر به آنچه ترکیه تاکنون در این منطقه برپا ساخته است این مسئله را ثابت می‌کند. کارزارهای نظامی ترکیه در شمال سوریه باعث ایجاد مناطقی شده است که جمعیت عرب در آنها غالب است و در نتیجه حائل میان نیروهای شبه‌نظامی تحت فرماندهی کردها به‌ویژه نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) با سرزمین‌های ترکیه ایجاد شده است. این مناطق نظامی تحت کنترل مستقیم مقام‌های ترکیه‌ای هستند و مدیریت محلی نیز از سوی مقام‌های محلی طرف ترک از جمله در غازی عینتاب، اوره، کیلیس و انطاکیه صورت می‌گیرد. مرز ترکیه و سوریه در آینده پیش‌بینی‌پذیر به‌عنوان یک منبع نگرانی در آنکارا تصور خواهد شد. استراتژی ترکیه بعد از ۲۰۱۶ تلاشی بود تا ضعف‌های استراتژی‌های گذشته، یعنی حمایت از شورش گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی علیه دولت مرکزی سوریه، جبران شود. بعد از شکست استراتژی قبلی، ترکیه متوجه شد که مرزهایش با سوریه یک آسیب‌پذیری جدی برای کشور است.

به‌رغم تلاش‌ها برای میانجی‌گری میان سوریه و ترکیه برای حل و فصل مسائل مرزی، همچنان این تلاش‌ها ناکام مانده است. برخی از مسائل حل‌نشده میان ترکیه و سوریه باقی مانده است که باید حل شوند. اگر میانجی‌گری‌ها شکست بخورد، احتمالاً الگوی امنیتی ترکیه استمرار پیدا می‌کند یا حتی برای تأمین منافع ترکیه توسعه پیدا خواهد کرد. در هر صورت، حتی اگر روابط دو کشور هم بهبود پیدا کند، باز هم به این معنی نیست که به توافق برسند، بلکه در بهترین حالت آشتی دو دولت به معنای آغاز فرآیندی برای تحول نظام امنیتی در مرزهای شمالی سوریه خواهد بود.

### الگوی آمریکایی

حضور نیروهای آمریکایی در سوریه را می‌توان به عنوان امتدادی از حضور نیروهای آمریکایی در عراق توصیف کرد. از زمان سرنگونی دولت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ تاکنون ارتش آمریکا با چالش‌های بسیاری از سوی مرزهای سوریه مواجه شده است که یکی از اصلی‌ترین این چالش‌ها سرازیر شدن جهادی‌های سلفی از شرق سوریه به عراق بود. به‌رغم برنامه عقب‌نشینی عراق که سال ۲۰۱۱ توسط باراک اوباما طراحی شد، نیروهای آمریکایی در مرز سوریه و عراق باقی ماندند. سازوکار امنیتی که آنها در پیش گرفتند، عمدتاً مبتنی بر حفاظت

پیشین خود در لبنان بهره‌برداری کند. در عین حال بازگشت آوارگان به عنوان یک کارت بازی در مذاکرات با طرف‌های بین‌المللی به دمشق کمک می‌کند. هر پیشرفتی در بازگشت آوارگان احتمالاً نیازمند امتیازهای جدی سیاسی و مالی است.

### الگوی ایرانی

الگوی امنیتی ایران همچنان در حال شکل‌گیری است و همچنان با چالش‌هایی مواجه می‌شود. منازعه سوریه فضایی مناسب در اختیار ایران قرار داد تا بتواند شبکه نظامی و اقتصادی و دسترسی ایندولوژیک خود را در سراسر سوریه گسترش دهد. این امر باعث شد تا به دلیل حضور ایران در نزدیکی سرزمین‌های تحت کنترل اسرائیل و حضور در نزدیکی مرز اردن، دیدگاه‌ها به ایران به‌عنوان یک بازیگر سیاسی با نفوذ قابل توجه تقویت شود. با این حال اقدام‌های ایران در شمال سوریه تنها با هدف مواجعه با اسرائیل به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن منطقه‌ای ایران نیست. ایران یک پروژه بلندمدت و پویا را پیش می‌برد که حوزه‌های نفوذ خود را در مرزهای سوریه به منابع سیاسی تبدیل کند. این منابع را نه تنها می‌توان علیه اسرائیل، رژیم اسد، روسیه و اردن (که عملاً دروازه نفوذ به خلیج فارس محسوب می‌شود) به کار گرفت بلکه می‌توان آنها را به‌عنوان اهرم‌هایی برای امتیاز گرفتن در مذاکرات نه‌فقط در رابطه با سوریه بلکه در مسائل دیگر به کار برد.

با توجه به ضعف‌های روسیه و اسد، الگوی امنیتی ایران در حال حاضر ماندگارترین و پیچیده‌ترین مدل در سوریه محسوب می‌شود. اقدام‌های ایران در یک دهه گذشته در دمشق و استان‌های جنوبی (به‌ویژه قنیطره و درعا تا حدی در سویدا) برخی ویژگی‌های الگوی ایرانی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی این است که این الگو خلاف استقلال دولت‌ها است و فرامی‌توان محسوب می‌شود. زیرساخت‌های امنیتی که ایران و حزب‌الله در مناطق روستایی استان دمشق و قنیطره ایجاد کرده‌اند، بخشی از ساز و کار وسیع‌تر امنیتی هستند که حلقه‌های زنجیر امنیتی ایران را در منطقه به یکدیگر متصل می‌کنند. این موضوع را می‌توان در فهرست قربانیان نیروهای متحد ایران به وضوح مشاهده کرد. بسیاری از نیروهای حزب‌الله و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که نیروی قدس آن سرکردگی عملیات فرامرزی ایران را بر عهده دارد، در حملات اسرائیل به دمشق و جنوب سوریه کشته‌شده‌اند، این موضوع را تأیید می‌کند که این دو گروه در این مناطق فعال هستند و به معنای این است که به سانگی بین ایران، عراق، لبنان و سوریه تردد می‌کنند. الگوی ایرانی به این دلیل علیه حاکمیت ملی سوریه عمل می‌کند که باعث شده است دولت ضعیف سوریه به خاطر یک پروژه فراملی ضعیف‌تر هم بشود. تقویت این الگو الزاماً به این معنا است که سوریه تحت سلطه منافع ایران قرار بگیرد. این موضوع به یک مسئله بفرنج برای رژیم اسد تبدیل می‌شود، چون در حالی که با متحدانش تقویت شده و پایدار مانده است و حتی گاهی به عنوان بخشی از محور مقاومت خود را نمایش می‌دهد، اما می‌داند که در نهایت هزینه این موضوع با فرمان‌پذیر بودن سوریه داده خواهد شد. یک مثال روشن این است که تعداد تجاوزهای اسرائیل به آسمان سوریه بعد از سال ۲۰۱۱ نسبت به قبل از ۲۰۱۱ که نفوذ ایران بسیار کمتر بود، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. ویژگی جالب توجه دیگر الگوی ایرانی این است که این الگو توانایی چشمگیری در رشد در مناطق بی‌ثبات و بحرانی زده مانند شمال سوریه دارد.

با این حال سیستمی که ایران ایجاد کرده است با چالش‌هایی هم مواجه است. شبه‌نظامیان متحد ایران در مناطقی مانند درعا و سویدا با مقاومت گسترده‌ای مواجه هستند. در درعا ایران تلاش کرد حمایت شبه‌نظامیان دروزی را جلب کند، اما به دلیل مخالفت گسترده از درون جامعه با شکست مواجه شد. تعداد ناچیز حملات اسرائیل به این مناطق نشان می‌دهد که ایران هنوز نتوانسته است جای پای تهدیدآمیز خود را در این منطقه باز کند. اما تهران و متحدانش از نظر استراتژیک یک گام جلوتر هستند، چرا که تنها بازیگر خارجی هستند که از یک مدل امنیتی مشخص پیروی می‌کنند، منابع کافی و تجربه عملیات در شرایط هرچ و مرج دارند. یکی از جنبه‌های بنیادین الگوی امنیتی ایران، بسط آن به لبنان است. حزب‌الله نقش کلیدی در مداخله ایران در سوریه دارد و یکی از بازیگران اصلی محور مقاومت است که از ایران تا مدیترانه کشیده شده است. بخش عمده مرز لبنان و سوریه، به جز منطقه عکار در شمال، بخش‌های مهم اثرگذاری حزب‌الله است که این گروه می‌تواند از طریق آن سلاح و چیزهای دیگر را به داخل و خارج لبنان منتقل کند. سوریه و حزب‌الله لبنان به دلیل منافعی که در مرز دارند، مدت‌ها با تلاش دولت لبنان برای تشدید کنترل بر مرزها مخالفت کردند. در سمت لبنانی مرز، ارتش لبنان با همکاری بریتانیا ابتدا با هدف جلوگیری از نفوذ گروه‌های جهادی سلفی، چندین برج مراقبت ایجاد کرد. این برج‌های مراقبت به ارتش لبنان کمک کرد تا جلوی جریان پناهجویان سوری به خاک لبنان را بگیرد. با این حال دولت سوریه به دولت لبنان شکایت کرده است که این برج‌های مراقبت امکان اشراف اطلاعاتی بریتانیا را علیه سوریه ایجاد می‌کند. رسانه‌های نزدیک به حزب‌الله هم علناً با این اقدام مخالفت کرده‌اند. هر چند مخالفت حزب‌الله باعث کنار گذاشته شدن برج‌ها نمی‌شود، اما می‌تواند

